

استادانه

محتوای خوب از ما، نهره خوب برای شما

تربیت دینی در دوره دبستان و دبیرستان - محمود نوذری

دوست عزیزم، خریدار محترم و خواننده گرامی

از اینکه این فایل رو خریداری کردی و داری ازش استفاده میکنی متشکرم، اما اگه بدون اینکه فایل رو خریداری کنی داری ازش استفاده میکنی اینو بدون که استادانه برای این فایل خیلی زحمت کشیده و اونو به صورت اختصاصی تولید کرده نه مثل خیلی از سایتها از دیگران کپی کنه برای همین اصلاً راضی نیست ازش استفاده کنی!

اگه دوست داری ازش استفاده کنی همین الان به سایت استادانه به آدرسی زیر برو و مبلغش رو پرداخت کن و با خیال راحت ازش استفاده کن، کافیه اسم فایل رو داخل سایت سرچ کنی و اونو بخری

www.OSTADANEH.com



توجه توجه

فهرست

- بخش اول: مبانی انسان‌شناختی، تدین‌شناختی، روان‌شناختی و مفاهیم اساسی ۳
- فصل اول: مبانی انسان‌شناختی تربیت دینی ۳
- پیش سازمان‌دهنده: ۳
- مفاهیم اساسی ۳
- دین داری و رابطه آن با ایمان: دین‌داری ۴
- روح یا من: ۴
- ۳- تبیین نقش نیروهای درونی و بیرونی در آشکار شدن فطرت الهی ۵
- ۲-۳. تبیین نقش نیروهای بیرونی ۱۰
- فصل دوم: مبانی تدین‌شناختی و روان‌شناختی تربیت دینی ۱۱
- پیش سازمان‌دهنده: ۱۱
- ۱- مبانی تدین‌شناختی ۱۲
- ۲. تبیین الگوی یادگیری دین داری ۱۳
- فصل سوم: مفهوم تربیت دینی و عناصر الگوی برنامه درسی تربیت دینی ۱۷
- پیش سازمان‌دهنده: ۱۷
- ۲- مفهوم‌شناسی عناصر الگوی برنامه درسی تربیت دینی ۱۹
- ۳. کودکی و نوجوانی ۲۱
- ۴. مفهوم‌شناسی الگوی تربیت دینی در مدرسه از آغاز تا زمان حاضر ۲۱

بخش دوم: تربیت دینی در دوره دبستان.....	۲۳
پیش سازمان دهنده:.....	۲۳
۱- مفاهیم اساسی.....	۲۳
۲- توانایی های کودک در کشف وجود خدا و عمق بخشی به شناختش از او.....	۲۵
۳- توانایی کودک در کشف هدف و معنای زندگی (معنا بخشی به دیدگاه درباره زندگی).....	۲۶
۴- توانایی ها در شکل دهی به احساسات دینی (ایجاد پیوند بین شناخت و احساس دینی).....	۲۸
۵- توانایی کودک در ابراز التزام دینی (ایجاد پیوند بین شناخت، احساس و اراده).....	۲۸
۶- توانایی کودک در جاری کردن ایمان (ایجاد پیوند بین شناخت، احساس، اراده و عمل دینی).....	۲۹
فصل پنجم: الگوی تربیت دینی در دوره دبستان (۷ تا ۱۲ سالگی).....	۳۰
پیش سازمان دهنده:.....	۳۰
۱- اهداف تربیت دینی.....	۳۱
۲- محتوای تربیت دینی: مفاهیم اساسی و اصول سازماندهی محتوا.....	۳۳
۳- روش های تربیتی:.....	۳۴
اقدامات فرایند بازنگری:.....	۳۵
الف) نکات کلی:.....	۳۹
ب) روش های افزایش توانایی تفکر درباره پرسش های وجودی:.....	۴۰
مراتب فرایند تحول احساس دینی در دوره دبستان:.....	۴۵
۴. ارزشیابی میزان نیل به مرتبه قابل تحقق از حیات طیبه:.....	۵۵
بخش سوم: تربیت دینی در دوره دبیرستان.....	۵۸
فصل ششم: شکل گیری و تحول ایمان در دوره دبیرستان.....	۵۸
پیش سازمان دهنده:.....	۵۸
نتایج مربوط به دوره نوجوانی:.....	۵۸
۲. توانایی کودک در کشف هدف زندگی (معنا بخشی دینی به دیدگاه در حال ساخت درباره زندگی).....	۶۰
۳. توانایی ها در شکل دهی به احساسات دینی (ایجاد پیوند بین شناخت و احساس دینی).....	۶۱
۴. توانایی کودک در ابراز التزام دینی (ایجاد پیوند بین شناخت، احساس و اراده).....	۶۳
۵. توانایی نوجوان در جاری کردن ایمان زندگی (ایجاد پیوند بین شناخت، احساس، اراده و عمل دینی).....	۶۴
فصل هفتم: الگوی تربیت دینی در دوره دبیرستان (۱۸-۱۲ سالگی).....	۶۵
مقدمه:.....	۶۵
۱. اهداف تربیت دینی:.....	۶۵
۲. روش تربیتی.....	۶۷
۳. تبیین نقش و صلاحیت های معلمی.....	۸۱

بخش اول: مبانی انسان‌شناختی، تدین‌شناختی، روان‌شناختی و مفاهیم اساسی

فصل اول: مبانی انسان‌شناختی تربیت دینی

پیش‌سازمان‌دهنده:

تربیت دینی فعالیتی است که به منظور شکل‌دهی به دین‌داری و ایجاد تحول در آن انجام می‌شود. دین‌داری نیز به معنای پای بندی به دین و دین‌طرحی برای سعادت انسان در چارچوب فطرت است به این معنا که خداوند انسان را برای هدفی خلق کرده و نیروهایی در او قرار داده است که او را به سوی هدف آفرینش سوق می‌دهد.

نقش دین در این فرآیند کمک به نیروهای درونی است تا هدف آفرینش محقق شود.

مقدمه:

نظریه‌های انسان‌شناسی مشتمل بر تفسیری درباره پرسش‌های بنیادینی است که درباره انسان مطرح می‌شود. نیاز به این نظریه در پژوهش‌های تربیتی از این جهت است که هرگونه نظریه پردازی تربیتی به نحوی ناظر به انسان است.

نظریه‌های پدید آمده در تحلیل چیرستی انسان از تنوع فراوانی برخوردار است اما می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

۱- نظریه‌هایی که ریشه‌گرایش‌ها، خواسته‌ها و رفتار انسان را در ضرورت‌های اجتماعی می‌بینند و نه در درون.

۲- نظریه‌هایی که ریشه‌گرایش‌ها، خواسته‌ها و رفتار انسان را در خود حیوانی و غرایز طبیعی می‌دانند.

۳- نظریه‌هایی که ریشه‌گرایش‌ها، خواسته‌ها و رفتار انسان را در خود انسانی و الهی او جست و جو می‌کنند. انسان‌شناسی با نگاه فطری‌نگر، پیروان زیادی در بین روان‌شناسان و الاهیون دارد ولی تفسیر آنها از فطری‌نگری متفاوت است.

مفاهیم اساسی

فطرت: به معنای آفرینش خاص انسان است و هر امری که در هنگام آفرینش در سرشت انسان گذاشته شده باشد، امری فطری نامیده می‌شود. کاربرد فطرت در این فصل به یکی از دو معنای زیر اشاره دارد:

الف) فطرت در مقابل طبیعت و اشاره به یکی از مراتب وجودی انسان است که باتوجه به ظهور من مادی و طبیعی و با آغاز حیات دنیوی، از دسترس بخش هشیار روان انسان خارج می‌شود. از این مرتبه با عناوینی مانند فطرت الهی، معرفت و گرایش ربوبی، عشق و معرفت به خدا، استعداد ایمان و خدای درونی یاد می‌شود.

ب) فطرت به معنای کیفیاتی که در نیروهای شناختی انگیزشی و گرایشی گذاشته شده است و فعالیت، انسان را به سوی شناخت خدا، شوق به ارتباط با او و ساخت ایمان سوق می‌دهد. از فطرت به این معنا با عناوینی همچون نیروی فطری انگیزشی یا فطری شناختی یا فطری گرایشی یاد می‌شود. فطرت به این معنا وجودی مستقل و عینی از وجود نیروهای شناختی، انگیزشی و گرایشی ندارد و تنها به این اشاره دارد که در این نیروها افزون بر ظرفیت شناخت جهان مادی، ظرفیت کشف و معناسازی درباره حقایق ماوراء الطبیعی نیز نهاده شده است.

ایمان: ایمان انسانی ایمانی است که همه انسان‌ها به طور غیر اختیاری و از روی ضرورت با آن مواجه می‌شوند و به شکل دهی آن می‌پردازند. ضرورت هم از آنجا ناشی می‌شود که خداوند، عشق به زندگی سعادت‌مندانه را در هر انسانی نهاده و انسان‌ها خود بایستی سختی و لذت پریش از آن و ساختن معنای زندگی را تحمل نمایند.

ایمان به خدا: ایمان انسانی در اشکال گوناگون متجلی می‌شود و ایمان به خدا یکی از اشکال آن است که در این شکل از ایمان، خداوند به عنوان منبع خیر و سعادت شناخته می‌شود و پول، علم و دانش و ... بر حسب میزان قرار گرفتن در مسیر نیل به معرفت خداوند واجد ارزش می‌شوند. لذا ایمان دینی به معنای نفی عشق به دیگر ارزشها نیست بلکه جهت دهنده به آن است.

دین داری و رابطه آن با ایمان: دین داری

دین داری با شکل‌گیری ایمان به خدا در نظام روانی انسان ظهور پیدا می‌کند و با توسعه ایمان در مراتب ذهنی، قلبی و رفتاری گسترش پیدا می‌کند. دین داری حقیقتی واحد و ذومراتب بر حسب مراتب انسان است؛ دین داری در مرتبه عقلی به صورت ایمان عقلی و در مرتبه قلبی به صورت ایمان قلبی و در مرتبه رفتاری به شکل سبک زندگی مومنانه ظاهر می‌شود. به عبارتی دین داری دارای سه تجلی در نظام روانی است:

ایمان ذهنی، ایمان قلبی و ایمان جاری شده در رفتار.

روح یا من:

الف) روح موجودی زنده و پویا است و از همان لحظه تولد به خود و نیازهایش آگاهی حضوری دارد و این آگاهی او را به سوی ارتباط با جهان خارج و رفع نیازهایش برمی‌انگیزاند.

ب) روح امری ذومراتب است بدین معنا که با آغاز حیات دنیوی دارای یک مرتبه هشیار و ناهشیار است.

ج) روح دارای ساختار هرمی است؛ در راس هرم، خود، به منزله امری بسیط قرار دارد و در سطوح هرم سه بعد اصلی نفس بروز یافته است: اول دربردارنده معرفت، دوم قدرت و سوم محبت است.

۲- تبیین حقیقت انسان با رویکرد فطری نگر

در دیدگاه پیروان صدرا، جهان هستی ساختاری توحیدی دارد و اگر از بالا نگاه کنیم، آن را مشتمل بر خداوند و افعال او می‌بینیم. جهان صورتی توحیدی و دارای مراتب دارد. همه موجودات در سلسله مراتب هستی جایگاه مشخصی دارند و نمی‌توانند ارتقای وجودی از جهت کمالات پیدا کنند مگر انسان.

انسان حیات خود را قبل از حضور در دنیا آغاز کرده و در آنجا حیات معنوی و الهی را در عالم روحانی و قدسی تجربه کرده است.

مرتبۀ مادی انسان تنزل یافته‌ی الهی آن است و با تنزل از مرتبۀ الهی اش از مقام اصلی اش بی‌خبر شده و فراموش کرده که اصل و منزل اصلی اش کجاست و خودش را با چهره مادی اش می‌شناسد و با آگاهی حضوری از خود و نیازهایش، فعالیتش را برای برآوردن نیازهایش شروع می‌کند. راه خروج از این حالت، تغییر در تعلقات و دلبستگی‌ها است.

بر این اساس انسان موجودی مادی است که حامل استعداد الهی است و بذر معرفت و عشق به خداوند در سرشت او نهاده شده است. هدف حیات زمینی انسان نیز جوانه زدن این بذر و تبدیل موجود مادی به موجود الهی است.

۳- تبیین نقش نیروهای درونی و بیرونی در آشکار شدن فطرت الهی

علامه طباطبایی معتقد است که خداوند نه تنها بذر معرفت و عشق به خداوند را در انسان گذاشته، بلکه نظامی هدایت فطری را نیز در او گذاشته است. یعنی انسان را به فراتر رفتن از جهان مادی و جست‌وجوی درک مراتب غیر مادی آن سوق می‌دهد که ممکن است تا رسیدن به درکی توحیدی از هستی و احساس وحدت، استمرار یابد.

نظام هدایت فطری مشتمل بر نیروهایی است که به طور دائم نیازهایی را در انسان به وجود می‌آورد و آنها را به اهداف، آرمان‌ها و آرزو‌ها تبدیل می‌کند و او را به تلاش برای رفع آنها وامی‌دارد. بنابراین تحول انسان محصول تعامل نیروهای درونی و بیرونی است که اطلاعات را در اختیار فرد می‌گذارد و بر تصمیم‌گیری فرد تاثیر می‌گذارد. در این چارچوب، ظهور و بروز فطرت الهی محصول تعامل نیروهای درونی و بیرونی است و با شناخت قواعد تکوینی حاکم بر شیوه عمل نیروهای درونی و نحوه تعامل آنها با نیروهای بیرونی، میتوان به ارائه تفسیری از چگونگی آشکار شدن فطرت الهی دست یافت.

۳-۱ تبیین نقش نیروهای درونی در آشکار سازی فطرت الهی

علامه طباطبایی معتقد است که خداوند بذر معرفت و عشق به خداوند را در انسان گذاشته و نظام هدایت فطری را نیز در او قرار داده است.

۱-۱-۳. تبیین ماهیت نظام هدایت فطری

برخی محققان بر این باور اند که توانایی‌های شناختی که موجب تحول معنوی و دینی می‌شود، همان توانایی‌هایی است که موجب شناخت جهان مادی و اجتماعی می‌شود و انسان برای اندیشیدن در موضوعات معنوی و دینی، شیوه فکری خاصی در اختیار ندارد و انسان با به کار گیری توانایی‌های فکری خود ابتدا به شناخت جهان مادی دست می‌یابد و در ادامه به درک معنوی و دینی از جهان دست می‌یابد.

این دسته از محققان به شیوه تجربی نشان می‌دهند که کودک با خردورزی شهودی بر روی پدیده‌های طبیعی و انسانی به شیوه‌های متعددی از وجود حقایق غیر مادی و خدا آگاه می‌شود. یکی از شیوه‌ها زمانی است که وی درباره منشأ و پدیدآورنده پدیده‌ها می‌اندیشد یا از وی درباره منشأ آنها پرسش می‌شود. در این صورت کودک منشأ اشیاء بزرگ را به خدا یا موجودی با علم و قدرت خدایی نسبت می‌دهد.

شیوه دیگر زمانی است که کودک تقسیم بندی پدیده‌ها به جسمی و ذهنی و ... را آغاز می‌کند و به تدریج به کشف موجود زنده فراطبیعی نائل می‌شود.

شیوه سوم زمانی است که کودک در مسیر شناخت ماهیت خطاپذیر بودن باورها و محدودیت دانشی انسان گام برمی‌دارد.

دیدگاه علامه طباطبایی: ایشان بیان می‌کند که انسان در زندگی خود مسیر ویژه و منحصر به خود را دارد و مجهز به تجهیزاتی است که او را به سوی آن مقصود هدایت می‌کند. با داشتن این فطرت اعمالی از او صادر می‌شود که با آن ملکات سازگار است. علامه از یک هدایت فطری سخن می‌گوید که انسان را به سوی مقصد نهایی خلقت پیش می‌برد و این هدایت همه انسان‌ها را در برمی‌گیرد.

نظام هدایت فطری دربردارنده مجموع نیروهای انگیزشی، گرایشی و شناختی است که در تعامل متقابل و مستمر باهم، زیست بوم مناسب برای نیل به هدف آفرینش و رشد بذر معرفت و گرایش الهی را فراهم می‌کنند. فطری بودن آنها هم به این معنا است که کیفیتی ذاتی در آنها گذاشته شده که نیازهای شناختی، انگیزشی و اجتماعی را تولید می‌کنند که انسان را به سوی شناخت خدا یا موجودی با علم و قدرت خدا، ساخت ایمان و جاری کردن آن در زندگی سوق می‌دهد.

امور فطری جنبه ساختاری و عام شخصیت انسان را شکل می‌دهد نه جنبه محتوایی. مقصود از جنبه ساختاری، جنبه‌ای است که حالت قالب دارد.

در فهم ساختار فطری انسان بایستی بین دو مفهوم از امر فطری تفکیک کرد:

فطرت گاهی به امری عینی و مستقل در وجود انسان اشاره دارد که به این معنا یکی از مراتب وجودی انسان است و از این مرتبه با عناوینی مانند فطرت الهی، معرفت و گرایش ربوی، عشق و معرفت به خدا، استعداد ایمان و خدای درونی یاد می‌شود.

فطرت در معنای دوم به معنای کیفیاتی است که هنگام آفرینش انسان در نیروهای شناختی، انگیزشی و گرایشی گذاشته شده و انسان را مستعد معنوی یا الهی بودن می‌کند. این فطرت با عناوینی همچون نیروی فطری یا ذاتی یاد می‌شود.

۳-۱-۲. تبیین نقش نیروهای شناختی، انگیزشی و گرایشی در آشکار سازی فطرت الهی

گرایش‌های مهم در تولید نیاز به شناخت خداوند و شکل دهی به ایمان انسانی و دینی:

۳-۱-۲-۱ تمایل و عشق ذاتی به برخورداری از لذت، سعادت و کمال نامحدود

تمایل و عشق به برخورداری از لذت، سعادت و کمال نامحدود گرایشی است که سبب می‌شود در هر خواسته، انسان در جست و جوی مصداق کامل و بی عیب و نقص آن خواسته برآید. این تمایل از همان آغاز تولد در کودک آشکار می‌شود. کودک با آگاهی حضوری از خود و عشق به لذت و تنفر از درد و رنج، زندگی خود را آغاز می‌کند.

میل به برخورداری از لذت که جهت گیری نامحدود دارد، او را به جست و جوی لذت نامحدود وامی‌دارد و سبب می‌شود از همان آغاز در جست و جوی ارضای کامل برآید. بنابراین انسان به طور ذاتی و از آغاز موجودی ذاتا معنوی است به این معنا که تمایل به برخورداری از برترین و لذت بخش ترین شکل حیات را دارد که نمی‌تواند ماهیتی مادی داشته باشد.

۳-۱-۲-۲ گرایش فطری به شناخت خدا به عنوان پدیدآورنده و خالق جهان

گرایشی در مقام اندیشه ورزی و کشف جهان در انسان وجود دارد که به تدریج وی را به سوی پدیدآورنده ای با علم و قدرت نامحدود سوق می‌دهد. انسان تنها در جست و جوی شناخت واقعیت ها از طریق شناخت علت پدیدآورنده آنها نیست، بلکه به طور فطری در جست و جوی سازماندهی به واقعیت ها و کشف علت آنها است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که با شروع تفکر در انسان، تمایلی ذاتی وی را به سوی شناخت آفریننده جهان سوق می‌دهد و مقصود از شناختن آفریننده جهان سوق می‌دهد و مقصود از شناختن آفریننده جهان، مشتمل بر درک مجموعه ای از مفاهیم مانند درک خود، پدیده‌های طبیعی، مرگ و حیات پس از مرگ و ارتباط بین آنها و شکلی خام و خیالی است.

۳-۱-۲-۳. گرایش فطری به شکل دهی به ایمان انسانی (ساخت هدف و معنای زندگی)

انسان خود باید سختی و لذت پرسش از چیستی معنای زندگی و ساختن معنای زندگی را تحمل نماید و دیدگاهی درباره زیستن سعادتمندانه بسازد و در چارچوب آن زندگی کند. برای رفع این نیاز خداوند گرایشی فطری در عقل عملی نهاده که پس از ظهور نیازها در نظام روانی وی، فعالیت خود را برای ساخت دانشی درباره چگونگی رفع نیاز و ارتباط با جهان خارج برای برآوردن آن آغاز می‌کند. این نیرو انسان را به سوی ساختن ایمانی انسانی در اشکال مختلف دینی و غیر دینی آن سوق می‌دهد. این نیروی سوق دهنده به سوی ایمان، در همه انسان ها به شیوه‌ای یکسان عمل می‌کند.

در گام اول انسان در جست و جوی امری برمی آید که بتواند خواسته های او را برآورده سازد. این امور عبارتند از علم و دانش، ارزش سیاسی، ارزش زیباشناختی، ارزش اقتصادی، ارزش اجتماعی، ارزش های انسانی، اخلاقی و الهی.

در گام دوم وی به تأمل و ارزیابی درباره ارزشمندترین امور می پردازد و یکی را به عنوان هدف زندگی خود قرار می دهد.

در گام سوم بر طبق ارزشی که برای او مهم تلقی شده، به زندگی خود در سایر ابعاد معنا می بخشد. انواع روابط در زندگی انسان:

رابطه با خدا، خود، طبیعت، زندگی دنیوی، مرگ، حیات پس از مرگ و سایر انسان ها.

۳-۱-۴. گرایش فطری به ترجیح حق، خیر و زیبایی بر باطل، شر و زشتی و تبدیل ایمان انسانی به ایمان دینی.
خداوند برای اینکه ایمان در حال ساخت، به شکل ایمان دینی متجلی شود، گرایشی را در انسان قرار داده است که در مقام ارزیابی و سنجش، حق را بر باطل و خیر را بر شر ترجیح می دهد. اثر این گرایش در زمان طفولیت در اشکال طلب محبت، اعتماد و ... ظاهر می شود. وجود این نیروی تشخیص در انسان به معنای فعلیت خود به خودی آنها نیست و مانند هر نیروی دیگری به شرایطی برای رشد نیاز دارد.

بنابراین خداوند دو نیرو برای ساخت ایمان در انسان قرار داده است:

۱- نیرویی که همه انسان ها را به سوی ساخت ایمان پس از ظهور نیاز به آن، در اشکال دینی و غیر دینی وامی دارد.

۲- نیرویی که زمینه تبدیل ایمان در حال ساخت را به ایمان دینی فراهم می کند و تحقق آن وابسته به زیست بوم مناسب آن است.

ایمان دینی با توجه به مراتب عقلی، قلبی و رفتاری دارای سه مرتبه است:

ایمان ذهنی و عقلی، ایمان قلبی و سبک زندگی مومنانه.

۳-۱-۵. گرایش فطری - انفعالی برای تبدیل ایمان عقلی به قلبی و شکل دهی به احساسات دینی.
گرایش

فطری - انفعالی حالات درونی است که خودش را در موقعیت های خاصی بر حیات درونی انسان تحمیل می کند و موجب بروز طیفی از احساسات دینی نظیر محبت و خشوع می شود.

خداوند گرایشی دیگر در وجود انسان قرار داده که او را به سوی ارتباط با خدا و طیفی از احساسات دینی سوق می دهد. این احساس و گرایش زمانی در انسان ظاهر می شود که انسان در موقعیتی قرار می گیرد که

محدودیت ها و نقصان های حیات مادی و عظمت حیات معنوی و الهی را درک کند و زمینه ناخرسندی از وضعیت موجود در وی فراهم شود.

برخی بر این باور اند که معنویت در احساس و تجربه شخصی افراد ریشه دارد.

۱-۲-۳ ظرفیتی فطری در بعد تخیلی وجود انسان برای شکل دهی به فهم انسان از جهان ماوراءالطبیعی و ساخت ایمان

خیال در فلسفه اسلامی به دو معنای هستی شناسانه و معرفت شناسانه است و در اینجا مقصود معنای دوم است. در معنای دوم خیال یکی از نیروهایی است که اطلاعات دریافتی از خارج را در دستگاه معرفتی انسان ذخیره می کند و مبانی معرفتی و گرایشی را برای بسیاری از فعالیت های انسان فراهم می کند.

برخی بخش تخیلی وجود انسان را واجد ظرفیتی مناسب برای گذار ذهن کودک از درک جهان مادی و درک موقعیت خود در هستی و نیل به دیدگاهی کل نگر درباره جهان هستی می دانند.

فعال سازی این ظرفیت با بهره گیری از ابزاری به نام داستان ممکن است.

۱-۲-۳-۷. تاثیر نیروهای مربوط به مرتبه بدنی انسان بر شکوفایی فطرت الهی

مقصود از مرتبه بدنی در اینجا امری است که در تمام دوره حیات دنیوی از طریق جذب هوا و مواد غذایی در حال شکل گیری و تحول است و مرتبه مادی وجود انسان را شکل می دهد. این مرتبه به دو شکل بر شکوفایی فطرت الهی و کسب و اکتساب ایمان تاثیر می گذارد:

۱- ایجاد تغییرات مادی در انسان که زمینه تغییرات غیر مادی را فراهم می کند و این تغییرات خود بر چگونگی شکل گیری نظام روانی انسان و توانایی آن برای کسب ایمان تاثیر می گذارد. وابستگی تغییرات در نظام روانی انسان به انجام اعمال بدنی، شیوه دوم تاثیرگذاری مرتبه بدنی بر کسب ایمان را آشکار می کند. ایجاد برخی تغییرات در نظام روانی انسان به حصول تغییرات در عمل وابسته است، بدین معنا که بایستی عمل را انجام داد تا تغییر در نظام روانی انسان رخ دهد و عمل نیز با بدن و در بدن اتفاق می افتد. بنابراین بدن و شرایط مرتبه بدنی در رشد روانی انسان تاثیرگذار است.

در صورت غلبه من طبیعی بر من فطری، فعالیت تمام گرایش های فطری نهاده شده در انسان مختل خواهد شد و فعالیت مورد انتظار را انجام نخواهد داد لذا تعقل و تفکر با وجود هوای نفس و سایر صفات رذیله، نتیجه ای جز عدم درک حقایق و حکم به آنچه صفات رذیله فرمان می دهد ندارد.

نتیجه اینکه خداوند نه تنها بذر معرفت و عشق به خود را در انسان گذاشته، بلکه گرایش های فطری متعددی در نیروهای شناختی، گرایشی، حواس پنجگانه و سایر دستگاه های بدنی گذاشته که به او در نیل به هدف آفرینش کمک می کنند.

در این بین عقل نیرویی است که فعالیت نیروهای درونی در مسیر کسب سعادت را مدیریت می‌کند اما محدوده توانایی آن در مدیریت نیروها به پنج دسته از عوامل وابسته است:

عوامل ارثی،

لایه‌های متعدد نظام اجتماعی،

تجارت و وقایع زندگی شخصی،

عوامل ماوراء طبیعی،

دین.

۲-۳. تبیین نقش نیروهای بیرونی

خداوند جهان را برای رشد انسان آفریده و نحوه برقراری او با جهان را که به رشد او منجر می‌شود تعیین کرده است.

به تعبیر علامه طباطبایی، انسان به عنوان یکی از اجزای هستی، مسیر خاصی برای حیاتش دارد که سلوک در آن مسیر، او را به سعادت و توافق با سایر اجزای عالم هدایت می‌کند.

۱-۲-۳. نقش اجتماع و فرهنگ در شکل دهی به ایمان

اجتماع یک کلام سیستم متشکل از خرد سیستم‌ها است که هر یک به نحوی بر رشد انسان تاثیر می‌گذارند. الگوهای متعددی برای تبیین نقش عوامل اجتماعی در شکل دهی به ایمان در کودکی و نوجوانی پدید آمده است.

در چارچوب انسان شناسی فطری، کودک و نوجوان در کسب ایمان نه منفعل محض هستند و نه استقلال تام دارند. بلکه سه عامل سطح تحول یافتگی نیروهای درونی، تمایلات فردی در توجه به امور ماوراءالطبیعی و غنای بافت اجتماعی از تجلیات دینی در ساحت های گوناگون زندگی، شکل گیری ایمان و تحول در آن را عینیت می‌بخشند.

بافت اجتماعی افزون بر فرصتهای یاددهی و یادگیری، از شیوه‌هایی برای خانه و مراکز آموزشی به محلی برای عملیاتی شدن ایمان در زندگی استفاده می‌کند:

آموزش، واکنش به موقع و مناسب به عکس‌العمل های دینی کودک، جدی گرفتن. پرسش هایی که برای کودک در این سن درباره خدا مطرح می‌شود.

فراهم کردن جنبه‌های سخت افزاری و نرم افزاری دینی و برگزاری مراسم دینی منظم در خانه.

ارائه الگوهای فکری و عملی درباره چگونگی ارتباط با خدا، خود، دیگران و طبیعت.

۲-۲-۳. نقش عوامل ماوراءالطبیعی در شکل دهی به ایمان

مراد از عوامل ماوراءالطبیعی خداوند، فرشتگان و شیاطین اند. هر عملی از انسان سر می‌زند، با عکس‌العملی از عالم غیب مواجه می‌شود و موجب رشد انسان می‌شود. در صورت روی برتافتن از ایمان، خداوند شیاطین را بر او گمارده و او را به گمراهی بیشتر تشویق می‌کند.

۳-۲-۳. نقش دین در رشد بذر فطرت الهی و تبدیل آن به حیات طیبه

۱- یادآوری ساختار توحیدی جهان و انسان: از نگاه قرآن، هستی ساختاری توحیدی است و معادل با خداوند و تجلیات او است. انسان موجودی است که در میان زمینی دچار غفلت از سرشت ربوبی خود شده است. هدف حیات زمینی نیز ارتباط مجدد با خداوند پس از غفلت از او است.

۲- یادآوری جنبه تاریخی حیات زمینی: ایمان به لحاظ تاریخی به دو شکل ایمان به خدا و سایر اشکال ایمانی تجلی یافته است. بخشی از دین ناظر به تبیین تاریخ وضعیت پیش آمده و سرنوشت این دو گروه در رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه است.

۳- پاسخ‌دهی به نیاز نیروی فطری در فرایند کسب ایمان: با توجه به اینکه نیروی فطری در همه انسان‌ها در چارچوبی آنها را به سوی ایمان سوق می‌دهد، دین انسان را متوجه تقاضای حقیقی نیروهای فطری و سوق دادن آنها به خدا می‌کند.

۴- دعوت به تفکر و ارزیابی باورهای اجتماعی متعلق به بافت اجتماعی که در آن زندگی می‌کند. ایمان در تعامل نظام هدایت فطری و باورهای اجتماعی ساخته می‌شود. از آنجا که این باورها بهره‌ای از حقیقت ندارند، قرآن انسان‌ها را به تفکر و ارزیابی درباره آنها دعوت می‌کند. در نگاه قرآنی، عقل از چنان توانایی برخوردار است که می‌تواند علی‌رغم تاثیرپذیری انسان از فرآیندهای جامعه‌پذیری، خود را از اسارت تنها نجات دهد و به تمییز حق از باطل نائل شود.

در واقع ایمان‌های غیر دینی ریشه در جان آدمی ندارد و از غفلت آدمی از حقیقت خود روییده است.

۵- تبیین تاثیر عمل انسان بر کل هستی و بازگشت تاثیر آن به انسان در حیات دنیوی و اخروی: عمل انسان در کل هستی اثر گذار است و آثار آن به صورت مکافات در این دنیا یا پاداش و جزا در آخرت به انسان بازمی‌گردد.

فصل دوم: مبانی تدین شناختی و روان شناختی تربیت دینی

پیش سازمان‌دهنده:

دین داری حقیقتی واحد و دارای مراتب بر حسب مراتب انسان است. این فصل در صدد آشنایی مخاطبان با دین داری به عنوان امری که همه فعالیت‌های تربیتی ناظر به تحقق آن انجام می‌شود، است.